

سیگارم را

با خورشید

روشن می کنم

www.ketab.ir

کلماتور:

داود علی بابایی

سرنامیه	علی بابایی، داود: ۱۳۳۷
عنوان و نام پدیدآور	سیگارم را با جورسید روشن می کنم: تعلیمات داود علی بابایی
مشخصات نشر	تهران: امید فردا، ۱۴۰۰
مشخصات فهرستی	۸۱ ص
شابک	978-622-7398-47-2
وضعیت فهرست نویسی	فبا
موضوع	خارجی کلمات - ایران
موضوع	Cariclamature-- Iran
زده بندی کنگره	۸۱۵۰ PIR
زده بندی شوی	۶۲۰۷۱۵۸
شماره کتابساز ملی	۷۶۲۹۶۶۴
وضعیت رتورده	فبا

انتشارات امید فردا

سیگارم را با جورسید روشن می کنم

داود علی بابایی

شابک ۹۷۸-۶۲۲-۷۳۹۸-۴۱-۲

چاپ اول: ۱۴۰۰

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

قیمت: ۳۶۰۰۰ تومان

این کتاب با کاغذ حمایتی به چاپ رسیده است

نشانی: تهران - میدان انقلاب - ابتدای خ آزادی - ابتدای جمالزاده

جنوبی - کوچه دانشور - پلاک ۲ - واحد ۵

تلفکس: ۶۶۹۱۷۴۴۹ تلفن: ۶۶۹۱۳۵۶۸ - ۰۹۳۵۷۶۰۸۵۰۳

به نام خدا

به بهانه پیشگفتار

طنز، فکاهی، خنده و شادایی را از پرویز شاپور فرا گرفتم به طور غیرحضورى با خواندن بعضى از آثار او، قبل از با ابوالقاسم حالت، على اكبر دهخدا، كيومرث صابري قومى، عمران صلاحى و ديكر طنز نويسان تا اندازه‌اى آشنا بودم. در دوران بعد از مشروطيت كسانى مانند دهخدا، على اكبر صابر، ايرج ميرزا، ميرزاده عشقى، فرخى يزدى مشروطيت، محمدشاه قاجار و رضاشاه پهلوى را زير سؤال برده‌اند چنانكه ميرزاده عشقى با تئاترهائى مانند نمايشنامه 'يدهال پيرمرد دهگاني، 'يدهال به سه تابلو عشقى، تابلوى اول شب مهتاب، تابلوى دوم روز مرگ مريم، تابلوى سوم سرگذشت پدر مريم و 'يدهال او نمايشنامه جمشيد ناكام، نمايشنامه حلوئى الفقراء و چندين نمايشنامه ديگر كه همه اين نمايشنامه‌ها طنز مى‌باشد و مسائل اجتماعى و سياسى را به باد انتقاد مى‌گيرد.

معروف‌ترين اثر طنز ميرزاده عشقى، مجلس چهارم و جمهورى‌نامه او مى‌باشد اشعار فكارى و طنز او زبانزد خاص و عام مى‌باشد مثلاً در شعر مجلس چهارم مى‌گويد:

اين مجلس چهارم به خدا تنگ بشر بود!	ديدى چه خبر بود؟
هر كار كه كردند ضرر روى ضرر بود!	ديدى چه خبر بود؟
اين مجلس چهارم خودمانيم، ضرر داشت	والله ضرر داشت؟

صد شکر که عمرش، چو زمانه بگذر بود دیدی چه خبر بود؟
این مستزاد که بیش از صد بیت می‌باشد، آنچنان ماهرانه سروده
شده است که هنر شعر گفتن میرزاده عشقی را به رخ این و آن
می‌کشاند و او را سر زبان عام و خاص می‌اندازد.

اما درباره ایرج میرزا چیزهای زیادی می‌توان گفت: ایرج میرزا در
طول عمر ۵۲ ساله خود که در سال ۱۳۰۴ بر اثر سگته قلبی
درگذشت آنچنان مورد تأیید مردم واقع شد که همه در حد زیادی
شعرهایش را می‌ستودند. او با وزراء، سیاستمداران و رجال شوخی
می‌کرد.

اشعار، در انتقاد از اوضاع کشور، مزاح با ابوالقاسم خن، خیر
عیسی، انتقاد از قمه‌زنی و چندین شعر دیگر که در دیوان او به
تصحیح محمد جعفر محبوب آمده است.

او مقالات زیادی نیز نوشته است، مانند دو نامه‌ی ایرج میرزا به
وثوق الدوله.

وئی پرویز شاپور برای من کس دیگری بود من طنز را از او به
طیور غیر حضوری فرا گرفته سایه از دیوار بالا می‌رفت و من غروب را
نظاره می‌کردم.

دود عسی بابایی

تهران - زمستان ۹۹